

بسم الله الرحمن الرحيم

با تبریک ولادت مولا و سرورمان امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و ارواحنا فداه و به همین مناسبت قصد دارم ضمن معرفی اجمالی یکی از دلدادگان و شیفتگان اهل بیت علیهم السلام از دانشمندان، پژوهشگران و سیاستمداران بزرگ و سرشناس معاصر اهل تسنن شبه قاره، گوشه کوچکی از اعتقادات برادران اهل تسنن نسبت به امام مهدی علیه السلام و روایاتی از کتب مهم و مرجع این عزیزان ارائه کنم

متفکر، مفسر، معلم و مصلح اجتماعی شیخ الاسلام پروفیسور دکتر محمد طاهر القادری در سال 1951 در شهر جنگ پاکستان متولد شد. وی فوق لیسانس حقوق را از دانشگاه پنجاب گرفت و سپس در سال 1986 با پایان نامه‌ای تحت عنوان " Punishments in Islam, Their Classification and Philosophy " به اخذ درجه‌ی دکترای نائل گردید. از اساتید او می‌توان پدرش دکتر فرید الدین قادری، مولانا ضیاء الدین مدنی، مولانا احمد سعید کاظمی، دکتر برهان الدین احمد فاروقی و امام محمد بن علوی المالکی را که از علمای بزرگ هستند، نام برد. وی استاد دانشکده حقوق دانشگاه پنجاب است. تاکنون در موضوعات مختلف از جمله مذهبی، روحانی، تاریخی، اخلاقی،

قانونی، شرعی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، علمی و مطالعات تطبیقی هزاران سخنرانی داشته است. دکتر طاهر القادری علاوه بر دانشگاه‌های پاکستان در دانشگاه‌های کشورهای دیگر نیز پیرامون موضوعات مختلف علمی و فکری سخنرانی کرده است. ایشان بیش از سیصد کتاب به زبان‌های اردو، انگلیسی و عربی تألیف کرده که خیلی از آنها به دیگر زبان‌ها ترجمه شده است. سخنرانی‌های آقای دکتر طاهر القادری در بعضی از شبکه‌های تلویزیون‌های کشورهای عربی و دنیای غرب نیز پخش شده است.

جنبش **منهاج القرآن** سازمانی قرآنی است که آقای دکتر طاهر القادری در پاکستان بنانهاد و علاوه بر فعالیت گسترده در سطح پاکستان گفته می‌شود در بیش از هشتاد کشور شعبه‌های فعال دارد و مأموریت اصلی‌اش احیای ملت مسلمان و اتحاد جهان اسلام است. وی سازمانی غیردولتی را برای گسترش سوادآموزی تأسیس کرده که بین اردو زبانان در سراسر جهان مشغول فعالیت است.

تأسیس حزب سیاسی «**پاکستان عوامی تحریک**» (جنبش مردم پاکستان) از دیگر فعالیت‌های دکتر طاهر القادری است که علاوه بر داخل پاکستان در بین پاکستانی‌های مقیم دیگر کشورها فعال است. این حزب با دیگر احزاب مذهبی تشکیل جبهه‌ی واحدی به نام مجلس متحده عمل داد که پیروزی‌های چشم‌گیری در دو دوره‌ی انتخاباتی پیشین پاکستان بخصوص در ایالت‌های سرحد و بلوچستان داشته است. سال گذشته هواداران این حزب با دعوت دکتر طاهر القادری راهپیمایی مسالمت آمیز

عظیمی از لاهور بطرف اسلام آباد داشتند و تجمعی چند میلیونی در آن شهر برپا کردند. این هواداران کمتر از یک ماه قبل نیز در سراسر پاکستان در شهرهای بزرگ و کوچک و حتی روستاها راهپیمایی میلیونی برگزار کردند و این درحالی بود که رهبر حزب در پاکستان نبود

دکتر طاهر القادری از نظر اعتقادی حنفی بریلوی (Brailwi) است. ((انشاءالله در آینده در مورد این اندیشه و دیگر اندیشه حنفی شبه قاره یعنی دیوبندیّه (Deo—Diobandi) مقاله ای خواهم نگاشت.)) او قویّاً معتقد به شفاعت، توسّل، استغاثه، زیارات، بزرگداشت مولید بویژه ولادت نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است. او از جمله کسانی است که برخلاف برخی اهل تسنّن مقید است لفظ "آله" را در گفتار و نوشتار همراه درود بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بکار برد. او معتقد به یکی بودن دین و سیاست و فقه پویای اجتهاد است و هدف از بعثت انبیاء علیهم السّلام را تشکیل حکومت دینی و تربیت انسانها برای بهره مندی از جهان دیگر میداند. همانطور که در ابتدا آمد وی عاشق اهل بیت علیهم السّلام است و با استفاده از منابع خودشان (اهل تسنّن) چندین کتاب در منقبت اهل بیت علیهم السّلام نوشته و سخنرانیهای پرشوری ایراد کرده است. از آن جمله دو کتاب با عنوانهای "السّیف الجلیّ علی منکر ولایت علی (علیه السّلام)" و "القول المعتبر فی الامام المنتظر علیه السّلام" نوشته و یک مقدمه برای هر دو کتاب آورده است که جهت آشنایی خوانندگان با اندیشه ایشان و اهل تسنّن پیرامون ولایت، آن مقدمه را که به فارسی برگردانده ام قبل از

چکیده ای از احادیث و روایات پیرامون مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهم آورد.

البته که این اندیشه و به این صورتی که خواهد آمد مورد قبول شیعه نیست و اشکالاتی بر آن وارد است که در این مجال اندک فرصت پرداختن به آن نیست. (ازجمله اینکه چرا ولایت ظاهری و باطنی پس از رحلت نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از یکدیگر جدا افکنده شدند؟)

دو اندیشه بزرگ ذهن دکتر طاهرالقادری را به خود مشغول داشته. یکی تعمیر (بازسازی و مرمت و ساخت) بقیع، که اندیشه ای قدیمی تر است و بمناسبت آن و دیگر موضعگیری هایش برای عمره ممنوع الورد شده و برای حج هم غیر از محدودیت های امنیتی محدودیت زمانی برایش ایجاد کرده اند، و دیگری تجمع یا سازمانی متشکل از اندیشمندان ادیان ابراهیمی و مدعوینی از اندیشمندان هندو و بودایی برای مقابله با جهان کفر و الحادی گری و سکولاریزم.

ایشان شدیداً با وهابیت، گروههای تکفیری و سلفی گری مخالف و درگیر است و از جانب این گروه که متأسفانه درون پاکستان لانه امن یافته و با مارکهای سپاه صحابه، لشکر جهنگوی، طالبان و اهل حدیث مشغول فعالیت اند بارها تهدید شده و امنیت جانی اش کاملاً در خطر است.

آقای دکتر طاهرالقادری شخصیتی است که از نظر بین المللی شناخته شده است. برای نمونه نام وی بعنوان شخصیتی برجسته در

Biographical و در Biographical Institute of America

Dictionary بعنوان دانشور و متفکری برجسته در هزاره دوم و نیز یکی از پانصد نفر پژوهشگر و نویسنده برگزیده که در جهت بهبود وضعیت بشر تلاش داشته محسوب گردیده است. هم‌چنین بدلیل خدمات آموزشی و اجتماعی International Biographical Centre, Cambridge وی را شخصیت سال 99-1998 معرفی کرده است. اگرچه این نویسنده و متفکر برای تعدادی از هموطنان شرق کشورمان نام و چهره‌ای آشنا ست، امید است ترجمه‌ی آثار وی بتواند به شناخت بیشتر او کمک کند.

بدین منظور و هم با هدف آشنایی شیعیان با اندیشه‌های مشترک با برادران اهل تسنن توفیق داشته‌ام تا کنون هشت عنوان از کتابهای این محقق ارزشمند را از اردو به فارسی برگردانم و دو عنوان دیگر در دست ترجمه دارم و با لطف خداوند و عنایت معصومین اطهار علیهم صلوات الله تا پایان تابستان امسال، انشاءالله، برای انتشار آماده خواهند شد و به فضل الهی در نوشتاری دیگر به معرفی آنها خواهم پرداخت.

من الله التوفیق و علیه التکلیل

رئیس السادات

یوم الله پانزدهم خرداد نود و سه، تهران

توضیح: در مقدمه‌ای که خواهد آمد و نیز در احادیث و روایات

فونتهای "صَلَّى الله عليه و آله وسلَّم" "عليه السَّلام" "عليهم
السَّلام" "رضى الله عنه" "رضى الله عنهم" و "عليها السَّلام" بصورت
علائمی آمده اند که از این بابت پژوهش میطلبیم.

مقدمه

امروز هجدهم ذی الحجه (1422 هجری قمری) است. چنین روزی حضور نبی اکرم 6 در حجه الوداع هنگام بازگشتن به مدینه طیه در محل غدیر خم توقف فرمودند و در حضور تجمع فراهم آمده‌ی صحابه کرام ﷻ با بالا بردن دست سرورمان علی مرتضی کرم الله وجهه الکریم اعلان فرمودند:

«مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْهِ مَوْلَاهُ» : « هر کس من مولای اویم او را علی مولا است. »

این اعلان ولایت علی ♦ بود. چنین نسبتی تا روز قیامت بر همه‌ی اهل ایمان برقرار خواهد بود و از آن این امر بطور قطع به اثبات می‌رسد و این دلیل قطعی بدست می‌آید که هر کس منکر ولایت علی ♦ باشد، منکر ولایت محمدی 6 است.

این [بنده‌ی] عاجز احساس نمود بعضی از مردم بدلیل نادانی یا بعضی از ایشان از روی عناد و تعصب نسبت به این مسأله دچار تردید و دودلی هستند. تردید و انکار مذکور موجب بیشتر شدن تفرقه و تشّت بین امت شده است .

این اوضاع موجب شدند تا بر خود واجب شمارم دو رساله تألیف نمایم یکی پیرامون مسأله ولایت و امامت تحت عنوان « السیف الجلی

علی منکر ولایت علی ♦ و دومی تحت عنوان «القول المعتبر فی الامام المنتظر»

در نخستین رساله تلاش خواهم کرد جایگاه فاتح ولایت حضرت امام علی 7 را روشن کنم و بوسیله‌ی دومین به بیان خاتم ولایت حضرت امام مهدی 7 خواهم پرداخت تا همه‌ی شبهات از بین بروند و این حقیقت برای خاص و عام روشن شود که ولایت علی 7 و ولایت مهدی 7 در کتاب‌های معتبر حدیثی اهل سنت و جماعت با روایت‌های متواتر به اثبات رسیده است.

در نخستین رساله به ذکر پنجاه و یک حدیث از احادیث نبوی 6 همراه با پژوهش و تحقیق پیرامون آنها خواهم پرداخت. دلیل انتخاب این عدد آنست که امسال سن من پنجاه و یک سال کامل می‌شود. باشد تا به وسیله برگزیدن این عدد و تقدیم عاجزانه‌ی آن به بارگاه علی مرتضی ♦ به کسب خیر و دستیابی به عمری پربرکت نایل آیم و امیدوارم پیشکش کوچک من شرف قبول این بارگاه افتد. (آمین).

در این مقدمه مایل‌م این نکته را روشن کنم که برای وجود مقدس حضور نبی اکرم 6 سه گونه وراثت متصور است:

* وراثت روحانی خلافت باطنی

* وراثت سیاسی خلافت ظاهری

* وراثت عمومی خلافت دینی

⊗ وراثت روحانی خلافت باطنی به نفوس طیبه‌ی اهل بیت اطهار واگذار گردید.

⊗ وراثت سیاسی خلافت ظاهری به وجود مقدس خلفای راشدین واگذار گردید.

⊗ وراثت عمومی خلافت دینی به دیگر اصحاب و تابعین عطا گردید. خلافت باطنی آنگونه سرچشمه‌ای از نیابت محمدی⁶ است که از آن نه تنها کمالات روحانی دین اسلام و فیوضات باطنی حفاظت می‌شود بلکه از این بنیان، در امت، چشمه‌ی ولایت و قطیبت و مصلحت و مجددیت می‌جوشد و بواسطه‌ی آن امت از روحانیت محمدی⁶ فیضیاب می‌گردد.

خلافت ظاهری نیابت محمدی⁶ آن سرچشمه‌ای است که از آن غلبه‌ی دین حق و رواج احکام اسلام صورت عمل به خود پذیرفته و دین محمدی⁶ تمکین یافته و اقتدارش بر زمین قائم گردیده است. بوسیله این خلافت در تاریخ اسلام حکومت و سلطنت‌های گوناگون پدید آمده و شریعت محمدی⁶ بعنوان نظامی جهانی عملاً در دنیا شناخته شده است. خلافت عمومی نیابت محمدی⁶ آن سرچشمه‌ای است که از آن در امت، آینده‌های اسلام رایج و کردارهای پسندیده به منصه‌ی ظهور و بروز رسیده است. بواسطه‌ی آن در افراد امت نه تنها علم و تقوی پدیدار گشته بلکه اخلاق اسلامی در سطح عموم رایج و شایع گردیده است. گویی در نخستین نوع خلافت ولایت برپا شده، در نوع دوم خلافت سلطنت ایجاد شده و در نوع سوم خلافت هدایت برقرار شده است. پیرامون این تقسیم‌بندی وراثت محمدی⁶ شاه ولی الله محدث دهلوی رحمه الله علیه چنین بیان فرموده است:

پس وراثت آن حضرت هم به سه قسم منقسم‌اند فوراثه‌الذین أخذوا الحکمة و العصمة و القطبیه الباطنیة، هم اهل بیت و خاصّته و وراثه‌الذین أخذوا الحفظ و التلقین و القطبیه الظاهرة الإرشادية، هم اصحابه الکبار کالخلفاء الأربعة و سائر العشرة و وراثه‌الذین أخذوا العنايات الجزئیة و التقوی و العلم، هم اصحابه‌الذین لحقوا بإحسان کأنس و أبی هریره و غیرهم من المتأخرین، فهذه ثلاثة مراتب متفرعة من کمال خاتم الرسل⁶.

میراث‌داران حضور نبی اکرم⁶ سه گروه‌اند: اول آنانکه از فیض حکمت، عصمت و قطبیت باطنی آن حضرت⁶ بهره‌مند شدند. ایشان اهل بیت و بستگان حضور⁶ هستند.

طبقه‌ی دوم آنانند که به حفظ و تلقین و رشد و هدایت متصف و از فیض قطبیت ظاهری آن حضرت⁶ بهره‌مند شدند. ایشان بزرگان صحابه‌ی کرام  یعنی خلفای چهارگانه و سایر عشره‌اند.

طبقه سوم آنانند که از عنایات فردی و علم و تقوی بهره‌مند شدند. اینها اصحابی هستند که به صفت احسان متصفند همچون جناب انس  یا ابوهریره یا دیگر متأخران.

در این سه درجه کمال ختم رسالت حضور نبی اکرم⁶ جریان یافته است. روشن است که این تقسیم بندی برای بیان امتیاز ویژه و غلبه‌ی حال است و گرنه هر یک از سه نوع بطور کامل از ویژگیها و کمالات دو نوع

۱. شاه ولی الله محدث دهلوی، التفهیمات الالهیه، ج 2 ص 8

دیگر تهی نیست. در هر کدام از آنها به نوعی نسبت یا اشتراک از دو شکل دیگر وجود دارد.

در سلطنت، سرورمان صدیق اکبر ♦ جانشین بلافصل حضور نبی اکرم 6 است. در ولایت، سرورمان علی مرتضی ♦ جانشین بلافصل حضور نبی اکرم 6 است. در هدایت تمامی صحابه‌ی کرام ☐ جانشینان بلافصل حضور نبی اکرم 6 هستند. مقصود این است که پس از ختم نبوت برای ادامه‌ی زنجیروار فیض محمدی 6 سه سرفصل مستقل بوجود آمد:

نخستین سرفصل برای وراثت سیاسی

دومین سرفصل برای وراثت روحانی

سومین سرفصل برای وراثت علمی و عملی

بنابراین نفر اول در وراثت سیاسی حضرت ابوبکر صدیق ♦، نفر اول وراثت روحانی حضرت علی المرتضی ♦ و نخستین حاملان وراثت علمی و عملی تمامی صحابه‌ی کرام بودند. همه‌ی این وارثان و حاملان در دایره‌ی خویش خلفای بلافصل بودند و یکی در کنار دیگری موجب تضاد یا تعارض نبود.

موضوع مهم دیگر این که در حقیقت این منصب‌ها از نظر اموری که مربوط به آنها می‌شود مقداری متضادند.

1. خلافت ظاهری منصبی سیاسی در اسلام است.

خلافت باطنی صرفاً و بطور خالص منصبی روحی است.

2. خلافت ظاهری امری انتخابی و شورایی است.

خلافت باطنی صرفاً گزینشی و عطاشدنی از جانب پروردگار است.

3. خلیفه‌ی ظاهری در نتیجه چینش توسط عوام پدید آمده است.
- خلیفه‌ی باطنی در نتیجه چینش بوسیله خداوند بوجود آمده است.
4. خلیفه ظاهری منتخب است (برگزیده از جانب مردم).
- خلیفه باطنی منتخب است (برگزیده از سوی خداوند)
5. به این علت است که انتخاب نخستین خلیفه راشده سرورمان صدیق اکبر ♦ با پیشنهاد حضرت عمر فاروق ♦ و آراء عمومی و با تأیید اکثریت انجام شد درحالیکه انتخاب نخستین پیشوای ولایت یعنی سرورمان علی مرتضی با پیشنهاد و تأیید کسی صورت نگرفت.
6. در خلافت، «جمهوریت» مورد نظر است به همین خاطر حضور 6 در محل غدیر خم آنرا اعلان فرمودند.
7. حضور 6 انتخاب خلیفه برای امت را به خواست عامه‌ی مردم واگذار فرمود اما به خواست خداوند انتخاب ولی را خود فرمود.
8. خلافت برای اصلاح نظام دنیا بوجود آمده است.
- ولایت برای نشان دادن زیبایی، پاکی و ظرافت نظام آسمانی بوجود آمده است.
9. خلافت افراد را عادل می‌کند.
- ولایت افراد را کامل می‌کند.
10. خلافت به دایره‌ی فرش محدود می‌شود.
- دایره ولایت تا عرش گسترده است.
11. خلافت بجز با تخت نشینی (حکومت ظاهری) تاثیرگذار نیست.
- ولایت بدون تخت و سلطنت نیز عملکرد دارد.

12. غالباً چنین است که خلافت به امت سپرده می‌شود و ولایت به عترت. بنابراین نه گریزی از خلافت است و نه از ولایت زیرا خلافت بلافصل سرورمان حضرت ابوبکر صدیق ♦ از طریق اجماع صحابه منعقد گردید که تاریخ بر آن گواه قطعی است و ولایت بلافصل حضرت مولا علی مرتضی ♦ با فرمان مصطفی 6 منعقد گردید و گواه قطعی آن احادیث متواتره است. آنکه انکار خلافت کند، تاریخ و اجماع را انکار کرده و آنکه امامت و ولایت را انکار کند اعلان مصطفی 6 را منکر شده است. بایستی که حقیقت امر این دو جایگزین درک شود و آن دو با یکدیگر تطبیق داده شوند نه تفریق.

جان کلام اینکه همانگونه که خلافت ظاهری از خلفای راشدین آغاز گردید و فیض و برکت آن از سوی حاکمان درستکار و امیران عدالت‌پیشه شامل حال امت گردیده است، به همان ترتیب خلافت باطنی هم از سرورمان علی مرتضی ♦ شروع شده و فیض و برکت آن از جانب ائمه اطهار اهل بیت و اولیاء کامل امت شامل حال امت گردیده است.

با گفتار فاتح و خاتم 6 که من کنت مولاه فهذا علی مولاه - هر که را من مولا هستم این علی مولای اوست... و... علیؑ ولیکم من بعدی - پس از من ولی شما علی است... که در مقابل عامه‌ی مردم اعلان گردید حضرت علی ♦ را در میان امت، فاتح نخست ولایت قرار داد.

به گفتار شاه ولی الله محدث دهلوی رحمه الله علیه پیرامون باب ولایت توجه فرمایید:

1. و فاتح اول از این امت مرحومه حضرت علی مرتضی است کرم الله

- وجهه^۲. یعنی کسی که قبل از همه باب ولایت را در این امت مرحومه گشود (فاتح اول) حضرت علی مرتضی ♦ است.
2. و سرّ حضرت امیر کرم الله وجهه در اولاد ایشان ☐ سرایت کرد.^۳ و مقصود از سرّ حضرت امیر باز ولایت ایشان است.
3. چنانکه کسی از اولیاء امت نیست الا به خاندان حضرت مرتضی ☐ مرتبط است بوجهی از وجوه.^۴ یعنی کسی از اولیاء نیست که برای اکتساب ولایت وابسته به خاندان امامت حضرت علی ♦ نباشد.
4. و از امت آن حضرت 6 اول کسی که فاتح باب جذب شده است و در آنجا قدم نهاده حضرت امیرالمؤمنین علی کرم الله وجهه است. و لهذا سلاسل طرق بدان جانب راجع می شوند.^۵ یعنی نخستین فردی که در امت حضور 6 باب جذب را از همه عالتر و قدرتمندتر گشود و به این جایگاه بلند پانهاد و... ذات گرامی امیرالمؤمنین حضرت علی ♦ بود. بهمین خاطر همه ی راه هایی که به طرق گوناگون روحانیت و ولایت متصل می شوند به سوی آن وجود گرامی توجه دارند.
5. به همین دلیل است که شاه ولی الله محدث دهلوی رحمه الله علیه نوشته است: اکنون نیز آنکه از بارگاه رسالت 6 فیض ولایت نصیبش شده یا از طریق علی مرتضی ♦ به این سعادت رسیده است یا از طریق

۲. پیشین، ج 1، ص 103.

۳. همان.

۴. پیشین، ج 1، ص 104.

۵. شاه ولی الله محدث دهلوی، همعات، ص 60.

غوث اعظم جیلانی ♦. جز از طریق ایشان کسی به مرتبه‌ی ولایت نمی‌رسد.^۶ روشن است که طریق غوث اعظم جیلانی نیز طریق علی مرتضی ♦ است و پرتوی است از این شمع.

6. پیرامون این نکته شاه اسماعیل دهلوی هم صراحتاً اینگونه نوشته است: حضرت علی مرتضی ♦ بر شیخین رضی الله عنهما یک گونه فضیلت دیگر هم دارد و آن فضیلت، زیاد بودن پیروان ایشان و برخورداری از مقام ولایت، قطیبت، غوثیت، ابدالیت و از اینگونه دیگر مقامات است که از دوران خود ایشان تا زمانیکه دنیا باقیست، همه‌ی این مقامات به واسطه وجود ایشان هستی دارند و در پادشاهی پادشاهان و فرمانروایی امیران نفوذ آن حضرت دیده می‌شود و این بر آنان که در عالم ملکوت سیر می‌کنند مخفی نیست... بیشتر سلسله‌های اهل ولایت هم منسوب به جناب مرتضی ♦ هستند. بنابراین روز قیامت از کثرت وجود پیروان که افرادی آنرا تشکیل می‌دهند که اکثراً از شأن و منزلت برخوردار بوده و جایگاه شاخص و عمده‌ای داشته‌اند از مشاهده‌ی رونق و بزرگی لشکر حضرت مرتضی ♦ و مقامی که به آنها داده شده تماشاگران این مقام و صحنه بسیار تعجب خواهند نمود.^۷

در این فیض ولایت که منبع و سرچشمه‌ی آن در امت محمدی سرورمان علی مرتضی ♦ است، سیده‌ی کائنات حضرت فاطمه

۶. پیشین، ص 62.

۷. شاه اسماعیل دهلوی، صراط مستقیم، ص 67.

الزهراء رضی الله عنها و حضرات حسنین کریمین رضی الله عنهما نیز در کنار ایشان ♦ شریکند و به واسطه ایشان، این سلسله ولایت کبری و غوثیت عظمی در ائمه‌ی اهل بیت که آخرینشان سرورمان امام محمد مهدی 7 است ادامه یافته است. به همان گونه که سرورمان مولا علی ♦ به درجه‌ی فاتح باب ولایت فایز گشته، به همان ترتیب سرورمان امام مهدی 7 در امت محمدی 6 به جایگاه خاتم ولایت فائز خواهد گشت.

7. پیرامون این موضوع تحقیق مجدد الف ثانی شیخ احمد سرهندی رحمه الله علیه را ملاحظه فرمایید:

و راهی است که به قرب ولایت تعلق دارد. اقطاب و اوتاد و بدلاء و نجباء و عامه‌ی اولیاء الله به همین راه واصلند. راه سلوک عبارت از این راه است بلکه جذبه‌ی متعارفه نیز داخل همین است و توسط و حیل و تدریس در این راه کائن است و پیشوای واصلان این راه و سرگروه اینها و منبع فیض این بزرگواران حضرت علی مرتضی است کرم الله تعالی وجهه الکریم و این منصب عظیم الشأن به ایشان تعلق دارد. در این مقام گویی هر دو قدم مبارک آن سرور علیه و علی آله الصلوٰة و السلام بر فرق مبارک اوست کرم الله تعالی وجهه. حضرت فاطمه و حضرات حسنین ﷺ در این مقام با ایشان شریکند و انگارم [به تصور من] که حضرت امیر قبل از نشئه‌ی عنصری نیز ملاذ این مقام بوده‌اند، چنانچه بعد از نشئه‌ی عنصری. و هر که را فیض و هدایت از این راه می‌رسد به توسط ایشان می‌رسد چه ایشان نزد نقطه‌ی انتهائی این راه و مرکز این مقام به ایشان تعلق دارد. و

چون دوره‌ی حضرت امیر تمام شد این منصب عظیم القدر به حضرات حسنین ترتیباً مفوض و مسلم گشت و بعد از ایشان به هر یکی از ائمه اثنا عشر علی الترتیب و التفصیل قرار گرفت و در اعصار این بزرگواران و همچنین بعد از ارتحال ایشان هر که را فیض و هدایت می‌رسد به توسط این بزرگواران بوده و به حیلوت ایشان هر چند اقطاب و نجبای وقت بوده باشند و ملاذ و ملجأ همه ایشان بوده‌اند چه اطراف را غیر از لحوق به مرکز چاره نیست.^۸

حضرت مجدد الف ثانی رحمه الله علیه میفرماید امام مهدی ۷ هم در کار ولایت با حضرت علی مرتضی ♦ شریک خواهد بود.^۹

خلاصه کلام اینکه در محل غدیر خم موضوع ولایت علی ♦ با اعلان محمدی ۶ مطرح شد و این حقیقت تا ابد الآباد و برای همیشه ثابت و ظاهر گردید که ولایت علی ♦ در حقیقت ولایت محمدی ۶ است. پس از بعثت محمدی ۶ باب نبوت و رسالت برای همیشه بسته شد بنابراین تا قیامت برای جریان و ادامه فیض نبوت محمدی ۶ از سوی باری تعالی در امت راه و دری جدید گشوده شد که از طریق آن گروهی در مرتبه‌ی ظاهری و گروهی در مرتبه‌ی باطنی مورد لطف قرار می‌گیرند. حامل راه مرتبه‌ی باطنی «ولایت» قرار داده شد و در امت محمدی حامل ولایت عظمی نخستین فرد و پیش از همه کس امام برحق... مولا علی مرتضی ♦ مقرر گردید. سپس سلسله الذهب ولایت در اهل بیت و آل اطهار حضور ۶ یعنی ائمه

۸. امام ربانی مجدد الف ثانی، مکتوبات، ج ۳ صص ۲۵۱ و ۲۵۲، مکتوب شماره ۱۲۳.

۹. همان.

اثنی عشر (دوازده امام) جریان یافت، هر چند علاوه بر ایشان هزاران نفوس قدسیه هم در هر زمان از مرتبه‌ی ولایت بهره‌مند شده به بالاترین مراتب و اعلی‌ترین درجات قطیبت و غوثیت فائز می‌گردند، اهل جهان را از انوار ولایت منور می‌سازند و میلیون‌ها انسان را در هر قرن از ظلمت و گمراهی نجات می‌دهند و به نور باطن منور می‌سازند، اما همه‌ی ایشان با واسطه یا بدون واسطه فیض را از سرورمان علی مرتضی ♦ دریافت و از آن بهره‌مند می‌گردند. هیچ کس هم از ولایت علی ♦ بی‌نیاز و آزاد نیست. این جریان تا قیامت که آخرین امام بر حق و مرکز ولایت در امت محمدی 6 ظهور کند ادامه خواهد یافت. این [آخرین امام] سرورمان امام محمد مهدی 7 خواهد بود که هم دوازدهمین امام و هم آخرین خلیفه است. ذات اقدس ایشان دو راه ظاهر و باطن را که از ابتدا از هم جدا شده بودند یکی خواهد کرد. وی هم حامل ولایت و هم وارث خلافت خواهد بود. هر دو مرتبه‌ی ولایت و خلافت به وی ختم خواهد شد. به همین خاطر آنکه منکر امام مهدی 7 باشد منکر دو نوع خلافت دین یعنی خلافت ظاهری و باطنی است.

وی نهایت مظهر محمدی 6 خواهد بود. به همین خاطر است که نامش «محمد» است. خلق و خوی او نیز محمدی 6 است تا بر اهل دنیا روشن شود که این «امام» امانت‌دار دو گونه وراثت ظاهری و باطنی فیض محمدی 6 است. برای همین حضور 6 فرموده است: آنکه امام مهدی 7 را تکذیب کند کافر است.

در آن زمان مرجع تمام اولیای روی زمین ایشان 7 خواهد بود و با

ظهور امام امت مهدی، سرورمان عیسی 7 در نماز به او [امام مهدی] 7 اقتداء خواهد فرمود و باین ترتیب امامت ایشان 7 را به جهانیان اعلان خواهد نمود.

♦ به صد جان و با تمام وجود معتقدیم که حضرت مولا علی مرتضی و حضرت مهدی الارض و السماء 7... پدر و پسر هر دو ولی الله و وصی رسول الله 6 هستند. سر تسلیم فرود آوردن در مقابل ایشان بر هر صاحب ایمان واجب است.

پروردگارا ما را در کسب فیض از
این سرچشمه های عظیم ولایت توفیق
مرحمت فرما

(آمین بجاء سید
المرسلین)

تمت بالخیر

یکی از غلامان اهل
بیت
محمد طاهر القادری

حضرت مهدی ♦ امام بر حق و از فرزندان فاطمه [سلام الله علیها] است.

1- عن أم سلمة رضي الله عنها زوج النبي⁶ قالت: سمعت رسول الله⁶ يذكر المهدي فقال: هو حق و هو من بني فاطمة رضي الله عنها.^{١٠}
رواه الحاكم في المستدرک من طریق علی بن نفیل عن سعید بن المسيب عن أم سلمة و سكت أيضاً عنه الامام الذهبي و آورده النواب صديق حسن خان القنوجي في الاذاعة و قال صحيح.

ام المؤمنین حضرت ام سلمه رضي الله عنها روایت کرده است که از رسول الله⁶ شنیدم که از (امام) مهدی یاد نموده و فرمود مهدی حق است (یعنی ظهورش بر حق و مسلم است) و از فرزندان سیده فاطمه الزهراء رضي الله عنها خواهد بود.

این روایت را حاکم از طریق علی بن نفیل از سعید بن مسیب از ام سلمه در المستدرک آورده و امام ذهبی [آنرا دیده] و سخنی پیرامون آن نگفته و نواب صديق حسن خان قنوجي آنرا در الاذاعة آورده و آنرا صحيح دانسته است.

2- عن أنس بن مالك ♦ قال: سمعت رسول الله⁶ يقول: نحن ولد عبدالمطلب سادة أهل الجنة أنا و حمزة و علی و جعفر و الحسن و

الحسين و المهدي.^{۱۱}

جناب انس ♦ گفته که از رسول الله ﷺ شنیدم که فرمودند: ما فرزندان عبدالمطلب سروران اهل بهشت هستیم. یعنی من، حمزه، علی، جعفر، حسن، حسین و مهدی ﷺ.

3- عن ام سلمة رضي الله عنها قالت: ذكر رسول الله ﷺ المهدي و هو من ولد فاطمة.^{۱۲}

ام المؤمنین حضرت ام سلمه رضي الله عنها می گوید رسول الله ﷺ از مهدی یاد فرمودند و (در مورد ایشان فرمودند) او از اولاد فاطمه رضي الله عنها خواهد بود.

4- عن عائشة رضي الله عنها عن النبي ﷺ قال: هو رجل من عترتي، يقاتل على سنتي كما قاتلت أنا على الوحي.^{۱۳}

ام المؤمنین حضرت عائشه صديقه رضي الله عنها از حضور ﷺ روایت می کند که فرمودند: مهدی از عترت (اهل بیت) من است که برای

۱۱.

ابن ماجه، السنن، ج 2، ص 1368، شماره 4087.

۱۲.

حاکم، المستدرک، ج 4، ص 601، شماره 8672.

۱۳.

1. نعيم بن حماد، الفتن، ج 1، ص 371، شماره 1092.

2. سيوطي، الحاوي للفتاوى، ج 2، ص 74.

(پاداشتن) سنت من پیکار خواهد کرد، همانگونه که من در راه (پیروی از) وحی الهی پیکار کردم.

5- عن ابی امامة ♦ مرفوعاً: قال: سیکون بینکم و بین الروم اربع هدن. تقوم الرابعة علی ید رجل من آل هرقل یدوم سبع سنین. قیل یا رسول الله صلی الله علیک وسلم: من امام الناس یومئذ؟ قال من ولدی ابن اربعین سنة، کان وجهه کوکب دری، فی خده الأيمن خال أسود، علیه عباءتان قطوانیتان کأنه من رجال بنی اسرائیل، یملک عشر سنین، یتخرج الكنوز و یفتح مدائن الشرک.^{۱۴}

از ابوامامه ♦ [مرفوعاً] روایت شده است که رسول الله ﷺ فرمود بین شما و روم چهار مرتبه صلح برقرار خواهد شد. صلح چهارم به دست شخصی از خاندان هرقل صورت خواهد پذیرفت که هفت سال دوام خواهد داشت. از رسول الله ﷺ پرسیدند در آن هنگام پیشوای مسلمانان چه کسی خواهد بود. ایشان ﷺ فرمودند از فرزندان من خواهد بود که سنّ وی چهل سال است. [سیمایی چهل ساله دارد]. چهره‌اش چون ستاره می‌درخشد. بر گونه‌ی راستش خالی سیاه است و دو عبای قطوانی پوشیده‌گویی از مردان بنی اسرائیل است. ده سال حکومت خواهد کرد. گنج‌ها را بیرون

1. طبرانی، المعجم الکبیر، ج 8، ص 101، شماره 7495.
2. هیثمی، مجمع الزوائد، ج 7، ص 319.
3. طبرانی، المسند الشامیین، ج 2، ص 410، شماره 1600.

آورده و شهرهای مشرکین را فتح خواهد نمود.

6- عن ابن مسعود ♦ عن النبي 6 قال: اسم المهدي محمد.^{۱۵}
عبدالله بن مسعود ♦ از حضور نبی اکرم 6 روایت می کند که ایشان
فرمودند: نام (امام) مهدی محمد است.

تا خلافت امام مهدی ♦ برقرار نشود قیامت بیان خواهد شد.

1- قال الامام الحافظ ابو عیسی محمد بن عیسی بن سوره الترمذی رحمه الله تعالى فی جامعه: حدثنا عبید بن اسباط بن محمد القرشی عن ابی سفیان الثوری عن عاصم بن بهدله عن زر عن عبدالله ♦ قال: قال رسول الله ﷺ لا تذهب الدنيا حتی یملک العرب رجل من اهل بیت یواطی اسمه اسمی.^{۱۶} و فی الباب عن علی و ابی سعید و ام سلمة و ابی هريرة.

امام حافظ ابو عیسی محمد بن عیسی بن سوره ترمذی رحمت الله علیه در کتاب خویش «جامع ترمذی» می گوید: از عبدالله بن مسعود ♦ روایت شده است که رسول الله ﷺ فرمودند دنیا تمام نخواهد شد تا از اهل بیت من یک نفر پادشاه عرب شود [بر عرب حکومت کند]. که نامش با نام من یکی است (یعنی محمد خواهد بود).

2- عن عبد الله ♦ عن النبی ﷺ قال: یلی رجل من اهل بیت یواطی اسمه اسمی. قال عاصم و حدثنا ابو صالح عن ابی هريرة ♦: لو لم یبق من الدنيا الا یوماً لطول الله ذالک الیوم حتی یلی - هذا حدیث حسن صحیح.^{۱۷}

از عبدالله بن مسعود روایت شده است که حضور نبی اکرم ﷺ فرمودند از اهل بیت من شخصی خلیفه خواهد شد که نامش نام من است. و از ابوهریره ♦ روایت شده است که اگر از دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد الله تعالی این یک روز را آنقدر دراز خواهد کرد تا آن شخص (یعنی مهدی ♦) خلیفه شود.

3- عن ام سلمة رضی الله عنها قالت: سمعت رسول الله ﷺ یقول: المهدی من عترتی من ولد فاطمة.^{۱۸}

ام المؤمنین حضرت ام سلمه رضی الله عنها می گوید من این فرموده را از رسول الله ﷺ شنیدم که مهدی از نسل من و از اولاد فاطمه رضی الله عنها خواهد بود.

۱۶.

1. ترمذی، الجامع الصحیح، ج 4، ص 505، شماره 2230.

2. بزار، المسند، ج 5، ص 204، شماره 1803.

3. حاکم، المستدرک، ج 4، ص 488، شماره 8364.

۱۷.

1. ترمذی، الجامع الصحیح، ج 4، ص 505، شماره 2231.

2. احمد بن حنبل، المسند، ج 1، ص 376، شماره 3571.

۱۸.

ابوداود، السنن، ج 4، ص 107، شماره 4284.

4- عن ابی نضرة قال: كنا عند جابر بن عبد الله رضى الله عنهما فقال يوشك اهل الشام ان لا يجبى اليهم دينار و لامدى. قلنا من اين ذالك. قال من قبل الروم. ثم اسكت حنية ثم قال: قال رسول الله 6 يكون في آخر امتى خليفة يحثي المال حثيا و لا يعده عدا. قال: قلت لابی نضرة و ابى العلاء أتریان أنه عمر بن عبد العزيز فقالا لا.^{١٩}

ابونضرة تابعی می گوید در خدمت جابر بن عبدالله رضى الله عنهما بودیم که گفت: نزدیک است آن زمان که نزد مردم شام نه دینار باشد و نه غله. پرسیدیم این وضع از جانب کدام مردم پیش خواهد آمد؟ جابر ♦ گفت از سوی رومیان. سپس کمی خاموش ماند و آنگاه گفت: رسول الله 6 فرمودند: در آخر الزمان امت من خلیفه ای خواهند داشت (یعنی مهدی) که مال فراوانی بی شمارش خواهد بخشید. راوی این حدیث جریری می گوید حدیث را از (شیخ خویش) ابونضرة و ابوالعلاء دریافت کردم. از آن حضرات پرسیدم آیا نظر حدیث پاک از خلیفه مذکور حضرت عمر بن عبدالعزیز است؟ آن دو گفتند: نه، این خلیفه کسی جز عمر بن عبدالعزیز رحمت الله علیه است.

5- عن ابی سعید الخدری ♦ قال: قال رسول الله 6: لا تقوم الساعة حتى تملأ الارض ظلماً و جوراً و عدواناً ثم يخرج من اهل بيتي من يملأها قسطاً و عدلاً.^{٢٠} قال ابو عبدالله رحمة الله عليه صحيح على شرطهما و وافقه الذهبي. از ابوسعید خدری ♦ روایت شده است رسول الله 6 فرمودند: قیامت برپا نخواهد شد تا زمین از ظلم و ستم و سرکشی پرگردد. آنگاه از اهل بیت من کسی سربرخواهد داشت که زمین را از عدل و داد پرخواهد کرد (یعنی اینکه قبل از ظهور خلافت مهدی قیامت نخواهد آمد).

6- عن ابی سعید الخدری ♦ قال: قال رسول الله 6: المهدى منا اهل البيت اشم الأنف اقنى اجلى. يملأ الأرض قسطاً و عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً. يعيش هكذا و بسط يساره و اصبعين من يمينه المسبحة و الابهام و عقد ثلاثة.^{٢١}

١٩.

1. مسلم، الصحيح، ج 4، ص 2234، شماره 2913.

2. احمد بن حنبل، المسند، ج 3، ص 317، شماره 14446.

3. ابن حبان، الصحيح، ج 15، ص 75، شماره 6682.

٢٠.

1. حاکم، المستدرک، ج 4، ص 600، شماره 8669.

2. هيثمى، موارد الظمان، ج 1، ص 464، شماره 1880.

٢١.

قال ابو عبدالله الحاكم صحيح على شرط مسلم.

ابوسعید خدری ♦ روایت کرده که رسول الله ﷺ فرمودند: مهدی از نسل من خواهد بود. [از ما اهل بیت است]. بینی‌اش کشیده و بلند و پیشانی‌اش روشن و نورانی است. زمین را از عدل و داد پر خواهد کرد همانگونه که (پیش از آن) از ظلم و ستم پر شده بود. و با شمردن انگشتان مشخص کردند که وی (پس از خلافت) هفت سال زنده خواهد بود.

7- عن علی ♦ عن النبی ﷺ قال: لو لم یبق من الدهر الا یوم لبعث الله رجلاً من اهل بیتی یملاًها عدلاً کما ملئت جوراً.^{۲۲}

رجال هذا السند کلهم رجال الصحاح الستة غیر فطر فانه من رواة البخاری و الاربعة خلا مسلم. حضرت علی ♦ از حضور نبی اکرم ﷺ روایت کرده‌اند که ایشان فرمودند اگر از دنیا فقط یک روز باقی باشد (الله تعالی این روز را طولانی خواهد فرمود) از اهل بیت من کسی (مهدی) پیدا خواهد شد که دنیا را پر از عدل و داد خواهد کرد همانگونه که (پیش از آن) از ظلم پر شده بود.

1. حاکم، المستدرک، ج 4، ص 600، شماره 8670.

۲۲.

1. ابوداود، السنن، ج 4، ص 107، شماره 4283.

2. ابن ابی شیبہ، المصنف، ج 7، ص 513، شماره 37648.